خارج فقه جلسه 3 - حد مسح پا - 11/07/1401

موضوع: (حد مسح پا - اقوال - ادله اقوال - بررسی ادله - روایات در این زمینه)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

تفسیر سوم درباره کعب در مسح پا نظر اهل سنت است که کعبین آن دو قسمت راست و چپ پا را می‌گویند که مثل دو ستاره بیرون آمده است این نظریه مردود است و دلیلی ندارد.

اما حد مسح پا از نظر عرض:

قول اول: مشهور فقها و نظر سید در عروه که مسمای عرض کافی است اگرچه به‌اندازه یک انگشت و یا کمتر باشد و مرحوم علامه در منتهی المطلب ج ۲ ص ۶۹ می‌گوید که «فهو مذهب علمائنا اجمع یا در تذکره ج ۱ ص ۱۷۱» که فقهای اهل بیت به این فتوا قائلند و مرحوم محقق در معتبر ص ۳۹ همین مطلب فقهای اهل بیت را دارند.

قول دوم: از محقق اردبیلی و صدوق ره که تمامی انگشتان پا واجب است به مقدار کف دست مسح شود.

قول سوم: در کتاب النهایه شیخ طوسی ره و مقنعه شیخ مفید که واجب است عرض مسح یک انگشت باشد و بقیه مستحب است اما اقل از یک انگشت جایز نیست.

قول چهارم: واجب به مقدار دو انگشت است و بقیه مستحب است.

قول پنجم: مقدار واجب سه انگشت است.

بررسی ادله اقوال:

درباره دلیل قول سوم و چهارم دلیلی برای آن وجود ندارد بلکه دلیل برخلاف آن است و بحث در اطراف آن فایده‌ای ندارد چون این مقدار وجوب که بخواهد مأمورٌبه واقعی باشد نیازمند به روایت معتبر است حتی روایت مرسله ای هم وجود ندارد.

اما قول پنجم که صاحب غنیه نقل کرد مدرکش روایت معمر بن عمر است.

متن روایت: وعنهم، عن أحمد بن محمد، عن شاذان بن الخليل النيسابوري، عن معمر بن عمر، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: يجزي من المسح على الرأس موضع ثلاث أصابع وكذلك الرجل، وسائل ج ۱ ص ۲۹۴

مرحوم شیخ انصاری ره این را حمل بر استحباب کردند اما مرحوم علامه در تذکره گفته که برخی از این روایت قائل به وجوب شدند که اگر روایات متعارض نبود این قول پنجم درست بود ولی چون روایات معتبر و اجماع بر علیه آن است باید جمع تبرعی کرد بین این روایات و روایات کمتر از یک انگشت که حد واجب کمتر از یک انگشت و بیشتر از آن مستحب است.

اما عمده قول دوم است که مرحوم صدوق اشاره به دو روایت می‌کنند:

منها: صحیحه ابی نصر بزنطی، متن روایت: وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد: عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: سألته عن المسح على القدمين كيف هو؟ فوضع كفه على الأصابع فمسحها إلى الكعبين إلى ظاهر القدم، فقلت: جعلت فداك لو أن رجلا قال بأصبعين من أصابعه هكذا فقال لا إلا بكفيه (بكفه) كلها. وسائل ج ۱ ص ۲۹۳، آخر روایت دارد که اگر مردی بگوید با دو انگشت کشیدم حضرت فرمودند نه بلکه با کل دست کشیده شود

وجه استدلال: چون امام علیه السلام در مقام تحدید است

منها: روایت عبد الأعلی، متن روایت: محمد بن الحسن بإسناده عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن علي بن الحسن بن رباط، عن عبد الأعلى مولى آل سام، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام عثرت فانقطع ظفري فجعلت على أصبعي مرارة فكيف أصنع بالوضوء؟ قال: يعرف هذا وأشباهه من كتاب الله عز وجل، قال الله تعالى: ما جعل عليكم في الدين من حرج، امسح عليه. وسائل ج ۱ ص ۳۲۷ (مولی بعنی برده). راوی گفت برخورد کرد پای من به جایی و ناخن انگشتم افتاد و با پارچه ای بستم حال در وضو چکار کنم حضرت فرمود که حکم پا و نظایر آن را از آیه ﴿ما جعل علیکم فی الدین من حرج﴾ که بر همان پارچه مسح بکش استفاده می‌شود.

وجه مؤید بودن نظر مرحوم صدوق از این روایات:

سائل متحیر است که باوجود اینکه یک انگشت پا بسته شده چطور مسح کند که اگر مسح همه پا واجب نبود نیازی به این تحیر نبود و می‌توانست از بقیه انگشتان استفاده کند پس از این تحیر استفاده می‌شود که آنچه در ذهن اصحاب امام مرتکز بوده این است که کل کف دست را روی پا بگذارید و مسح بشود و دیگر کل نمی‌شود پس مسح تمام پا مرتکز در ذهن اصحاب بوده علاوه که امام به آیه نفی حرج اشاره کردند نشان می‌دهد مسح همه پا واجب بوده که اگر مسح همه پا واجب نبود این مسح حرجی نبود و نیازی به استناد به این آیه نبوده است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين